

The attitude of Khalq newspaper towards the state of guilds (1330-1332)

Zahra Sargazi^{*}, Mohsen Rahmati^{}**

Alaodin Shahrokhi^{*}**

Abstract

The guilds were one of the important economic groups, who distanced themselves from their traditional role with their widespread presence in the constitutional revolution. They were limited by government policies during the Pahlavi I period, . Tthe Tudeh party, which introduced itself as a supporter of the working classes, and attract them to the Soviet Communists, it published various newspapers such as Shahbaz, and etc. Khalq newspaper owned by Mustafa Lankarani was the organ of Jamiat Azadi Iran, which was launched in order to explain the economic conditions and problems of trade unions. By a descriptive-analytical method , this Study tries to show how the status of guilds is reflected in Khalq newspaper?. The result of the research shows that a considerable amount of articles related to this issue shows the wrong economic policy of the government in the entry of corrupt and bad goods into the country and the closure of domestic workshops, bankruptcy and poverty of guilds, which is due to the lack of a correct economic plan and the lack of coordination of economic and The production of the government created problems for the guilds, including the high cost of production raw materials, and the oppression of municipal and police officials. It has also provided

*department of History, Faculty of literature and humanity sciences, lorestan university, zsargazi7@gmail.com

**Professor department of History, Faculty of literature and humanity sciences, lorestan university (Corresponding Author), rahmati.mo@lu.ac.ir

***Associate Professor department of History, Faculty of literature and humanity sciences, lorestan university, shahrokhi.a@lu.ac.ir

Date received: 2022/01/31, Date of acceptance: 2023/07/18



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

solutions based on encouraging the export of goods based on barter trade with the Soviet Union in contrast to Truman's Four Principles and paying attention to the lives of villagers to increase their purchasing power in line with Soviet communist policies.

Keywords: Khalq newspaper, guilds, Tudeh Party, tradesmen, Soviet communism.

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف (۱۳۳۲-۱۳۳۰)

زهرا سرگزی*

محسن رحمتی**، علالدین شاهرخي***

چکیده

اصناف از جمله گروه‌های مهم اقتصادی بازار بودند که با حضور گسترده در انقلاب مشروطه در اولین اقدام دسته جمعی سیاسی از نقش سنتی خود فاصله گرفتند و در دوره پهلوی اول با سیاست‌های دولت محدود شدند. پس از اشغال ایران در جنگ دوم جهانی و تشکیل حزب توده این حزب برای رسیدن به اهداف خود در دوره نهضت ملی ایران از جمله توجه نشان دادن به اقشار ضعیف جامعه و جلب آنها به کمونیست شوروی به انتشار روزنامه‌های مختلفی از جمله خلق پرداخت. این روزنامه مجموعه مقالاتی بر دو محور بررسی مشکلات اصناف و ارائه راهکارهایی برای حل آنها دارد. در پژوهش پیش‌رو کوشش شده نشان داده شود که رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف براساس الگوی توصیفی - تحلیلی چگونه بازتاب یافته است. نتیجه پژوهش به تعبیر نویسندگان روزنامه بیانگر سیاست اقتصادی نادرست دولت در ورود بی‌رویه اجناس به کشور و تعطیلی کارگاه‌های داخلی، ورشکستگی و فقر اصناف می‌باشد که مشکلاتی از جمله گرانی مواد اولیه تولیدی، واردات بی‌رویه، اجحاف مالیاتی، ستم مأمورین شهرداری و شهربانی را ایجاد کرد. همچنین راهکارهایی که ارائه گردید مبتنی بر نوعی از تشویق صادرات کالا براساس تجارت پایاپای با اتحاد جماهیر شوروی در

* دانشجوی دکترا گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، zsargazi7@gmail.com

** استاد گروه تاریخ دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)، rahmati.mo@lu.ac.ir

*** دانشیار گروه تاریخ دانشگاه لرستان، shahrokhi.a@lu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۷



مقابل اصل چهار ترومن و توجه به زندگی روستاییان برای بالا بردن قدرت خرید آنها در راستای سیاست‌های کمونیستی شوروی بود.

کلیدواژه‌ها: روزنامه خلق، اصناف، دوره نهضت ملی، پیشه‌وران، کمونیزم شوروی.

۱. مقدمه

بازار از گروه‌های اقتصادی و اجتماعی مختلفی از جمله اصناف تشکیل می‌شد. صنف دسته مستقلی از پیشه‌وران بود که حکومت بر طرز عمل آنها نظارت داشت. در دوره قاجار نظارت گسترده حکومت بر اصناف همانند گذشته ادامه یافت (اشرف، بنوعیزی، ۱۳۸۷: ۴۳). اصناف موضع سیاسی قدرتمندی نداشتند ولی با این وجود از طریق تهدید به آشوب اجتماعی، شایعه پراکنی، رشوه و تعطیلی بازار نفوذ خود را نشان می‌دادند (فلور، ۱۳۹۲: ۵۱). در جنبش تنباکو برای نخستین بار علیه حکومت وارد عرصه سیاسی شدند و ضمن تثبیت نقش خود زمینه را برای شرکت در انقلاب مشروطه فراهم کردند (کسروی، ۱۳۶۳: ۱۱۰). موضوع مالیات همیشه بیشترین تأثیر را در تغییر روابط دولت و اصناف داشت و در دوره پهلوی اول در گرایش حکومت به محدود کردن اصناف موثر واقع گردید (لمبتن، ۱۳۶۰: ۵۰). پس از تشکیل حزب توده در سال ۱۳۲۰ تأسیس کارگاه‌های مشترک برای ترقی محصولات صنعتی و بهبود وضع اقتصادی پیشه‌وران در اولین برنامه حزب قرار گرفت (حزب توده، ۱۳۶۰: ۶۷). در طول زمامداری مصدق میان رهبران حزب توده بر سر حمایت یا عدم حمایت از دولت مصدق اختلاف نظر وجود داشت. گروهی معتقد بودند که حزب باید به جبهه ملی کمک کند تا در مبارزه علیه انگلیس پیروز شود. گروهی دیگر با این نظر مخالف بوده و مصدق را رهبر بورژوازی وابسته می‌خواندند (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۲۹۰-۲۹۱). اما نظر غالب در حزب توده چنین بود که هر کسی را که در طیف خود نمی‌دید، او را در صف دشمنان و در اردوی سرمایه‌داری می‌پنداشت. توده‌ای‌ها در طول دوران حاکمیت مصدق با برگزاری اعتصاب و تظاهرات به تحریکات دامن می‌زدند و زمینه ناامنی اجتماعی را فراهم می‌آوردند (کشاورز، ۱۳۷۹: ۲۵۷). این حزب برای جلب نظر اصناف جمعیت آزادی ایران به مدیریت مصطفی لنگرانی راتشکیل داد. از فعالیت‌های این جمعیت اطلاع چندانی در منابع وجود ندارد ولی ارگان این جمعیت روزنامه خلق به عنوان یک آینه تمام‌نمایی از وضعیت و مشکلات اصناف عمل کرد. این روزنامه در زمان توقیف در چند شماره با عنوان پیشه‌وران ما و صاحب امتیازی م- میرفخرایی نیز منتشر

شد. پرسش محوری پژوهش حاضر عبارت است از آن که روزنامه خلق در دوران نهضت ملی ایران چگونه رویکردی نسبت به وضعیت اصناف داشت؟

در رابطه با این موضوع آثاری نگاشته شده که می توان به عنوان پیشینه در نظر گرفت. گروه اول تحقیقاتی که با تحولات و حوادث سیاسی اجتماعی ایران پس از جنگ جهانی دوم مرتبط هستند مثل (آبراهامیان، ۱۳۷۷ و رحمانیان، ۱۳۹۱) در بخشی از مطالب خود درباره فعالیت اصناف در این دوره مطالبی گفته اند. گروه دوم شامل پژوهش هایی می شود که به تحولات اصناف در یک دوره خاص تاریخ ایران از جمله قاجار پرداخته اند (عیسوی، ۱۳۶۲). گروه سوم پژوهش هایی که به طبقات اجتماعی در ایران اشاره کرده اند (کوزنتسوا، ۱۳۵۸ و اشرف و بنوعیزی، ۱۳۸۷). سهم مطالعات مربوط به اصناف و معضلات پیش روی آنها به عنوان یکی از عناصر مهم جامعه بازار در مطالعات دوره نهضت ملی ناچیز به نظر می رسد. وجه تمایز پژوهش حاضر با تحقیقات ذکر شده آن است که با تمرکز بر وضعیت اصناف در دوره نهضت ملی ایران با تأکید بر روزنامه خلق خلاء موجود در این زمینه به طریق توصیفی - تحلیلی بر طرف گردد. در منابع جسته و گریخته به اصناف این دوره اشاره شده است ولی هیچ منبعی مانند روزنامه خلق وضعیت اصناف را بررسی نکرده است.

۲. جایگاه اجتماعی اصناف در دوره پهلوی

در طول تاریخ ایران اصناف به صورت تشکیلات مستقل بازار یا دولت ارتباط داشتند. در رأس هر صنف رئیس و چند استادکار بودند. رئیس وظیفه سرشکن کردن مالیات میان اعضای یک صنف، گردآوری مالیات صنفی، نظارت بر آموزش استادان به شاگردان و ایفای نوعی واسطه میان تجار و پیشه وران را بر عهده داشت. هر استادی می توانست شاگردانی برای خود داشته باشد که اغلب این شاگردان پسران استادان همان صنف بودند (کیوانی، ۱۳۹۲: ۹۵). پیشه وران معمولاً به دادگاه شرع که برای آنها گاهی گران تمام می شد مراجعه نمی کردند و دادگاه صنفی را که رایگان بود برتری می دادند (اشرف، ۱۳۵۹: ۳۳). ورود کالاهای فرنگی در دوره قاجار و آشنایی مردم ایران با تکنولوژی جدید در بسیاری از موارد تمایل مردم به کالاهای داخلی را کاهش داد (شیرین بخش، ۱۴۰۰: ۲۰). اصناف در حکومت رضاشاه از دخالت گسترده دولت در فعالیت های بازرگانی و نوسازی شهری ناراضی بودند (همان: ۸۰). به نظر می رسد در این زمان همانند سایر گروه ها از جمله نیروهای مذهبی، تلاش هایی از سوی اصناف برای بازگشت به صحنه سیاسی و اجتماعی صورت گرفت هر چند هیچگاه به دوره مشروطه و حضور اصناف

در آن شبیه نشد. دولت با اجرای قانون انحصار تجارت خارجی در سال ۱۳۰۹ تا حدودی واردات را کاهش داد. و برای حل مشکلات اقتصادی سیاست صنعتی سازی جایگزین واردات را در پیش گرفت تا از خروج مقدار زیادی ارز از کشور جلوگیری کند (آپتون: ۱۳۶۱: ۸۹). این برای پیشه‌وران بد نبود.

۳. روزنامه خلق و اصناف

در پی سقوط رضاشاه و اشغال کشور توسط متفقین در جنگ جهانی دوم شوروی با بهره‌گیری از عوامل مساعدی چون وجود نیروهای خود در شمال ایران و اوضاع نابسامان کشور اقدام به تأسیس حزب توده در تاریخ ۱۵ مهر ۱۳۲۰ کرد (ذبیح، ۱۳۷۸: ۱۵). این حزب در ابتدا از اعضای اصلی گروه تقی ارانی تشکیل شد و ریاست آن به سلیمان میرزا اسکندری واگذار گردید که رویه احتیاط آمیزی در پیش گرفت و وفاداری خود را به قانون اساس اعلام کرد ولی به تدریج کمونیست‌های طرفدار شوروی قدرت را در حزب به دست گرفتند (آوری، ۱۳۸۲: ۲۳۱). انتشار مطبوعات منظم یکی از سلاح‌های مهم حزب توده برای جلب به مرام کمونیستی بود (بختیار، ۱۳۳۶: ۲۹۰). این رویه تا سال‌های منتهی به مرداد ۱۳۳۲ همراه با فعالیت‌های مخفیانه حزب ادامه یافت و با تشکیل گروه‌هایی مثل جمعیت ملی مبارزه با استعمار، سازمان جوانان، سازمان زنان، جمعیت ایرانی هواداران صلح و جمعیت آزادی ایران که در ظاهر مستقل از حزب بودند ادامه یافت. جمعیت آزادی ایران در سال ۱۳۲۹ حیات اجتماعی خود را آغاز کرد. بنا به ادعای این جمعیت فشار طاقت فرسا و ظلم و اجحافی که در اثر توسعه روزافزون نفوذ سیاسی و اقتصادی امپریالیست‌های آمریکایی و انگلیسی در کشور به طبقات عظیم مردم می‌شد حس مسئولیت مبارزه جدی علیه نفوذ امپریالیست‌ها را به وجود آورد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱). در این میان روزنامه خلق ارگان جمعیت آزادی ایران به مدیریت مصطفی لنگرانی که درباره اتحاد پیشه‌وران و خطر واردات خارجی و انتقاد از سیاست‌های اقتصادی دولت گفتگو می‌کرد از ۶ مهر ۱۳۳۰ در ۸۲ شماره تا مرداد ۱۳۳۲ انتشار یافت. این روزنامه با تمام قوا سعی داشت تا به انحای مختلف از فعالیت‌های اقتصادی دولت جلوگیری کند. معدودی کشورهای تولیدکننده نفت و در حقیقت معدودی کشورهای تولیدکننده مواد خام اولیه، تجربه ای مانند ایران حد فاصل ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۲ در کاهش ناگهانی و شدید درآمدهای ارزی را از سر گذرانده‌اند. تجربه ای متعاقب ملی کردن صنعت نفت و پی آمد آن تحریم بین‌المللی نفت ایران (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۳).

۴. مشکلات اصناف

اصناف همیشه به عنوان یکی از عوامل مؤثر در بازار دچار مشکلاتی بودند. این مشکلات چه به صورت مشترک و جدا آنها را به هم مرتبط می‌کرد که در ادامه به این مشکلات با رویکرد روزنامه خلق پرداخته می‌شود.

۱.۴ مشکلات مشترک

با افزایش فشار حکومت برای درآمدزایی از تولیدات شهری، کسری موازنه تجاری ایران و کاهش تعرفه‌های واردات، پیشه‌وران در وضعیت شکننده‌ای قرار گرفتند و توانایی‌های آنان در عرصه رقابت و حضور در بازارهای داخلی کاهش یافت (یوسفی فر، ۱۳۸۹: ۷۶). در دوره پهلوی اول ادامه روند واردات، تغییر ذائقه مردم، تأسیس کارخانه‌های جدید و تلاش دولت برای راه‌اندازی صنایع دستی بدترین لطمه را از تولید صنعتی و واردات مصنوعات خارجی به اصناف وارد آورد (فوران، ۱۳۹۲: ۳۵۸). در همین راستا دولت با هدف تشویق ایرانیان به استفاده از تولیدات داخلی اقداماتی از جمله اجبار کارمندان به پوشیدن پارچه‌های ساخت ایران، احداث کارخانه‌های چغندر قند، ایجاد نمایشگاه‌هایی برای کالاهای وطنی و اعطای امتیازات مالیاتی را انجام داد (پیردیگار و دیگران، ۱۳۷۸: ۹۵-۹۴). پس از جنگ جهانی دوم ایران همچنان صادرکننده مواد خام و واردکننده کالاهای خارجی باقی ماند. طبق تصویب نامه شماره ۴۹۸ سال ۱۳۲۷ مؤسسات و ادارات دولتی حق نداشتند کالاهایی که تهیه آنها در داخل کشور میسر است را از کشورهای خارجی وارد کنند (عصر اقتصاد، ۱۳۳۰، شماره ۶۲).

گرانی بهای برق به عنوان یک ماده اولیه برای راه‌اندازی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها یکی دیگر از مشکلات موجود بود (خلق، ۱۳۳۱: شماره ۶۶)، (خلق، ۱۳۳۱: شماره ۵۴)، (خلق، ۱۳۳۱: شماره ۵۸). اصناف برای کار تولیدی خود احتیاج به کتور سه فاز داشتند ولی این کتور اختصاص به اعیان و اشراف داشت. در نتیجه گرانی قیمت برق باعث گردید که اکثر صاحبان صنایع و کارگاه‌ها برق مورد نیاز خود را از مغازه‌ها و کسانی که برق دارند به بهای چند برابر تأمین کنند (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۱). دزدی از مغازه‌ها یکی از مشکلاتی بود که پیشه‌وران مجبور شدند به فکر حفظ و نگهداری اموال و دکان‌های خود باشند برای این منظور اصناف و بازرگانان هفته‌ای یکبار کشیک را بر عهده گرفتند و حتی به کسانی که حاضر بودند این کار را انجام دهند نفری پنج ریال برای یک شب پول می‌پرداختند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۸). گرفتن

پول از اصناف به وسیله شهربانی در این دوره نیز وجود داشت (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۵). عدم دریافت وام از بانک‌ها از مشکلات دیگری بود که وجود داشت. بانک‌ها به بازرگانان بزرگ واردکننده اجناس خارجی تا سقف یک میلیون تومان وام می‌دادند ولی از دادن وام به اصناف و پیشه‌وران به عنوان عدم اعتماد و نداشتن قدرت خودداری می‌کردند (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۷). یکی از این بانک‌ها، بانک پیشه و هنر بود که دلالت و مالکین هیئت مدیره بانک را قبضه کرده بودند. این بانک در اغلب کشورها کلیه نیازهای کشاورزان و پیشه‌وران را بر طرف می‌کرد ولی در ایران در ظاهر متعلق به تولیدکنندگان داخلی بود و در جهت پر کردن جیب سرمایه‌داران بزرگ و دلالت خارجی فعالیت داشت (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۲۰). همچنین بانک صنعتی نیز به امور غیر صنعتی وام می‌داد (عصر اقتصاد، ۱۳۳۰، شماره ۶۱).

پیشه‌وران همیشه سعی داشتند که حق سرقفی را نصیب خود کنند. ولی این حق فقط برای مالکی وجود داشت که دارای میلیون‌ها ریال مستغلات در نقاط مختلف بود. یک پیشه‌ور جزء که با هزاران زحمت سرمایه‌ای را فراهم می‌آورد و موفق به رونق کسب و کاری می‌گردید نمی‌توانست از مزایایی که خودش به وجود آورده بود استفاده کند زیرا حق سرقفی فقط به مالک داده می‌شد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۹).

موضوع مبارزه با قاچاق کالا که از بنادر و شهرهای مرزی برای انجام مقاصد خود استفاده می‌کردند همیشه مورد توجه اداره گمرک قرار داشت. ایران دوره پهلوی نیز از این امر مستثنی نبود و پدیده قاچاق کالا مشکلات بسیاری در تولیدات و توسعه صنایع داخلی ایجاد می‌کرد (صدرزاده، ۱۳۴۶: ۳۱۸). از جمله مسائلی که در زمینه مشکلات اصناف در روزنامه خلق بازتاب یافت همین مسئله قاچاق کالا بود. یکی از نویسندگان مجله در مقاله‌ای با عنوان «مرزهای کشور برای ورود سیل آسای کالاهای قاچاق باز است» از قاچاق کالا با عنوان سیل بنیان‌کن صنایع جوان ملی یاد می‌کند و عامل ورود کالاهای قاچاق را نه تنها پلیس گمرک بلکه کمک مستقیم متنفذین محلی و خان‌ها و مالکین بسیار بزرگ جنوب و حتی بسیاری از عوامل دولتی بیان می‌دارد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۱). باز بودن مرزهای جنوب به روی قاچاقچیان باعث می‌شد که انواع کالاهای قاچاق از طریق کشورهای سوریه، لبنان و عراق وارد ایران شود و گمرک، مأمورین گارد مسلح مرزی و مقامات قضایی مانع ورود این اجناس نمی‌شدند (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۳). ورود کالاهای قاچاق بدون پرداخت عوارض گمرکی زیان‌های مختلفی از جمله کسر عایدات دولت از گمرک را به وجود می‌آورد (عصر اقتصاد، ۱۳۳۰، شماره ۶۳). در نتیجه یکی از علل ورشکستگی پیشه‌وران ایرانی توسعه بیش از حد قاچاق کالا

بود. روزنامه خلق از طرف پیشه‌وران و اصناف از دولت می‌خواست که به این اوضاع خاتمه دهد و مرزهای کشور را به روی اجناس قاچاق ببندد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۷).

کاهش اجاره‌بها یکی دیگر از مشکلاتی بود که حتی قبل از جنگ جهانی اول قسمت اعظم مطالبات اصناف را شامل می‌شد (رجایی، ۱۳۸۴: ۲۵۴). در دوره نهضت ملی دولت به علت کسر بودجه نمی‌توانست به تقلیل اجاره‌بها پردازد (صفر، ۱۳۳۱، شماره ۲۶). البته از نظر نویسندگان روزنامه خلق دولت با حمایت از بزرگ مالکان به دلیل اینکه بسیاری از اولیای امور دولت خود صاحب مستغلات بزرگ بودند از تقلیل اجاره‌ها خودداری می‌کرد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۱). با این حال اصناف پس از گرفتن اختیارات دولت از مجلس در سال ۱۳۳۱ به دلیل گرانی کرایه مغازه و مستغلات خواستار تقلیل اجاره بها تا سقف پنجاه درصد شدند (بسوی آینده، ۱۳۳۱، شماره ۷۶۰). دولت بعد از آنکه در برابر مطالبه به حق پیشه‌وران و مستأجرین دیگر نتوانست سکوت کند در نتیجه دست به تهیه لایحه تقلیل ۱۰ درصد کرایه‌ها تا ۳۰۰۰ ریال زد. روزنامه خلق این کار دولت را خیلی بیشتر به مسخره کردن صدها هزار کرایه‌نشین دانست و خواستار کاهش نصف اجاره‌ها گردید (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۶۰). ولی در اثر بحران اقتصادی دولت نسبت به تقلیل اجاره‌بها کوتاهی داشت که با تشکیل کمیسیونی از طرف دولت نیز مشکل حل نگردید (شهباز، ۱۳۳۱، شماره ۳۹۸). نویسندگان روزنامه هدف از تشکیل این کمیسیون را تأمین منافع ملاکین اعلام کردند که حل‌کننده مشکل اجاره بها و تنظیم‌کننده عادلانه روابط موجرو مستأجر نیست (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۶). در نتیجه پیشه‌وران و کسبه جزء با گرانی کرایه‌ها مشغول دستفروشی در کنار خیابان‌ها شدند (نیروی سوم، ۱۳۳۱، شماره ۴۲).

یکی از علل تشکیل اصناف را می‌توان خدمت رسانی به سیستم مالیاتی حکومت‌ها دانست. در دوره پهلوی اصناف در مواجهه با زیادی خواهی‌های مأموران دولتی آسیب‌پذیر شدند (آپتون، ۱۳۶۱: ۱۲۵). هر چند در این زمان قانون الغای مالیات صنفی را تصویب کردند ولی در عمل با دشواری‌هایی از جمله طولانی شدن زمان اجرای آن روبرو گردید. همچنان که تا مدت‌ها مردم از پرداخت مالیات صنفی شکایت داشتند (لوح فشرده مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۱۵۰). در دوره نهضت ملی نیز پیشه‌وران از دست مأمور مالیات بر درآمد امنیت نداشتند و روزنامه خلق از دولت می‌خواست که مانند گذشته میزان پرداخت مالیات بر درآمد پیشه‌وران و کاسب‌کاران جزء را به نمایندگان واقعی آنها واگذار کند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۱۹). نویسندگان مقالات این روزنامه می‌کوشیدند نشان دهند که گرفتن مالیات‌های غیر قانونی از کارگاه‌ها و صنایع کوچک توسط دولت هدفی جزء از بین بردن و

خواباندن کارگاه‌ها و صنایع داخلی در جهت تأمین سیاست‌های امپریالیستی ندارد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۶).

یکی دیگر از مشکلات اصناف تماس با مأمورین دارایی و سرگردانی در وزارت دارایی و گذراندن وقت در کمیسیون‌های مختلف بود. بدین منظور دولت طبق تصویب‌نامه‌ای تعیین مقدار مالیات بر درآمد سالیانه پیشه‌وران، صنعتگران و بازرگانان جزء را در اختیاراتحادیه‌های اصناف گذاشت که بیشتر در جهت تأمین منافع سیاسی دولت بود (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۷). با اعتراض‌های صورت گرفته اصلاح آئین نامه مالیات میان نمایندگان اصناف و نخست‌وزیر مورد مذاکره قرار گرفت (اطلاعات، ۱۳۳۱، شماره ۷۸۰۲). در همین راستا دولت در سال ۱۳۳۲ طرحی برای دریافت مالیات مقطوع اصناف و پیشه‌وران تهیه کرد. در این طرح نمایندگان اصناف حق داشتند در کمیسیون‌های مالیاتی شرکت کنند و نسبت به مالیات اصناف و پیشه‌وران اظهار نظر نمایند (کیهان، ۱۳۳۲، شماره ۲۹۵۷). ولی با وجود این اقدامات دولت همچنان به عدم حمایت از اصناف توسط این روزنامه متهم می‌گردید.

۲.۴ مشکلات مجزای اصناف

نویسندگان روزنامه خلق علاوه بر اینکه به مشکلات مشترک اصناف اشاره داشتند به صورت جداگانه نیز مشکلات هر صنف را مورد بررسی قرار می‌دادند. پیر شدن بازار تهران از منسوجات خارجی به خصوص پارچه‌های ایتالیایی که بیشتر ظاهر فریبنده و مشتری پسندی داشتند یکی از مشکلات صنف منسوجات بود (پیشه‌وران ما، ۱۳۳۲، شماره ۸۰). منسوجات خارجی علاوه بر این که از لحاظ قیمت با پارچه‌های ساخت کارخانه‌های داخلی فرقی نداشتند پوسیده نیز بودند ولی چون قیمت آن به پارچه‌های تولید داخل نزدیک بود مردم از این منسوجات استقبال می‌کردند (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۲).

در زمینه صنعت بلور واردات بی‌رویه بلور از آمریکا اهمیت داشت. صاحبان کارخانه‌های بلوری آمریکا بیشتر نقش دلال و فروش محصولات کارخانجات بلورسازی آمریکا در ایران را بر عهده داشتند. این واردکنندگان با استفاده از مزایای دستگاه‌های اداری، اعتباری و مالی دولت در فروش و توزیع محصولات بلوری کشور مؤثر بودند (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۲). یکی دیگر از مشکلات در صنعت بلور وجود دلالان داخلی بود (پیشه‌وران ما، ۱۳۳۲، شماره ۸۰).

صنف چرم‌سازی نیز مشکلات عدیده‌ای را پیش‌رو داشت. کارخانه‌های چرم‌سازی فقط به یک تاجر فروش داشتند. قیمت مواد شیمیایی مصرفی کارخانه به علت این که دولت سهمیه

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۳۰۳

وارداتی را مطابق احتیاجات واقعی کارخانجات داخلی تنظیم نمی کرد افزایش یافته بود. همچنین قیمت کاغذ تورنسل مورد نیاز کارخانه های چرم سازی توسط دولت حدود ۳۰ درصد تعرفه گمرکی آن افزایش داشت (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۲). بیشتر پوست مورد نیاز کارخانجات چرم سازی را گله داری ایران تأمین نمی کرد و هر ساله از هندوستان و پاکستان وارد می شد (کیهان، ۱۳۳۱، شماره ۲۷۰۹). در اثر بحران اقتصادی که در کشور ایجاد شده بود به موازات گران شدن ارز، رویه هم در بازار تهران افزایش قیمت داشت (کیهان، ۱۳۳۱، شماره ۲۷۶۶) که مشکلی دیگری را ایجاد می کرد. روزنامه در گفتگوهایی که با صاحبان چرم سازی انجام می داد به بی توجهی قصاب ها در جدا کردن پوست از دام نیز به عنوان یکی دیگر از مشکلات اشاره داشت. در حالی که دولت می توانست با تجهیز قصاب خانه ها به ماشین های مخصوصی که پوست را از لاشه جدا می کنند کاردزدگی پوست را کمتر کند (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۲). مشکل دیگر کارگاه های چرم سازی انتقال کارگاه به بیرون از شهر بود. در این نقل و انتقال بیش از نصف سرمایه کارگاه ها از بین می رفت و چون محل جدید را هم باید خریداری می کردند در شرایط بحران اقتصادی این مقدار سرمایه را در دسترس نداشتند و از این جهت مورد اجحاف دولت قرار می گرفتند (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۰).

تلاش روزنامه خلق برای بیان مشکلات اصناف شامل واردات بی رویه دارو نیز بود. وارد کننده های دارو اغلب و کلاء مجلسو اعیان دولت و افراد با نفوذ بودند. همچنین سود سرشار داروهای اختصاصی را وارد کننده دارو می برد در صورتی که اگر ترکیبات همان شیشه وارداتی را داروساز خودش می ساخت اولاً نصف قیمت هم تمام نمی شد و ثانیاً نفع داروساز هم دو برابر می شد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۳۵). گاهی این داروها اجازه مصرف در کشور صادرکننده را نداشتند و تقلبی بودند و فقط برای کشورهای خارجی ساخته می شدند (کیهان، ۱۳۳۱، شماره ۲۷۸۲). این قبیل داروهای خارجی منبع سود سرشاری برای سرمایه داران خارجی و دلان داخلی آنها بود (کیهان، ۱۳۳۱، شماره ۲۹۱۲). در همین راستا از دولت خواسته می شد که از اشکال تراشی در کار داروسازها خودداری کند و علائم پیشنهادی داروسازان را ثبت و با مطالعه در نواقص و احتیاجات لابراتورهای داخلی وسایل پیشرفت و حمایت صنعت داروسازی را فراهم آورد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۶۰) به این ترتیب داروسازها به جای این که دارو را بسازند به دلال دارو تبدیل شده بودند.

آن گونه که از مطالب روزنامه مستفاد می شود صنف کفاش از حیث شکل کار و تعداد مغازه ها و کارگاه های کفاشی بزرگترین صنف پیشه ور بودند که با گرانی جنس چرم روبه رو

بودند. اغلب جنس مورد نیاز کفاش‌ها برای این که گرانتر به فروش برسد را به بازار نمی‌آوردند. کفاشان نیز مجبور بودند جنس را ندیده معامله کنند و قیمت جنس چرم نیز لحظه به لحظه تغییر می‌کرد. برای مثال کفاش ممکن بود چرم نمره ۳ خسروی را خریداری کرده باشد ولی پس از دو ساعت به علت افزایش قیمت چرم ری برای او فرستاده شود (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۴).

قیمت نان همیشه مسأله‌ای بود که مردم را به رویارویی با دولت بر می‌انگیخت. نانوایان در این دوره نیز گاهی به عنوان کمبود نان در شهر، گاهی به بهانه خراب بودن نان و زمانی به نام گران فروشی از جانب دولت تحت فشار بودند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۴). یکی از مشکلات حداقل فاصله دو نانوایی بود که گاهی به چند قدم نیز می‌رسید (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۸). دکان‌های آرد فروشی به هر قیمتی آرد را عرضه می‌کردند. نانوایان مجبور بود در موقع گرانی و ارزانی آرد نان را به قیمت تعیین شده توسط دولت که ۵ ریال بود در دسترس مردم قرار دهد (کیهان، ۱۳۳۱، شماره ۲۷۱۱). ولی همچنان به آرد فروش‌ها محتکرین و ملاکین بزرگ اجازه داده می‌شد آرد را احتکار و گران کنند یا جنس آن را خراب نمایند و به فروش برسانند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۹). کوتاهی دولت در خرید غله و جمع‌آوری آن در سیلوها نیز باعث شده بود که هر چه از موجودی سیلوها کم می‌شد به همان نسبت مالکین و دارندگان غله قیمت آن را گرانتر می‌کردند (خلق، شنبه، ۱۳۳۱، شماره ۲۳). با این حال دولت به فروش نان به همان قیمت ثابت تأکید داشت و مشخص نبود چرا به مشکلات صنف نانوایان رسیدگی نمی‌کند.

چای فروشان نیز با مشکلات مختلفی روبه‌رو بودند. سازمان برنامه برای رفع مشکل فروش چای شرکت چای را ایجاد کرده بود تا به وضع نامطلوب گذشته چای خاتمه دهد (عصر اقتصاد، ۱۳۳۰، شماره ۸۵). ولی این شرکت قیمت خریداری از زارعین را پرداخت نمی‌کرد و تولیدکنندگان چای وقتی می‌دیدند از فروش خود چیزی عایدشان نمی‌شود دیگر به فکر زراعت، توسعه و تولید محصول چای نبودند. در نتیجه پیشه‌وران جزء که در روستاها و شهرها به خرید و فروش چای مشغول بودند کار خود را از دست می‌دادند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۸). برای حل این مشکل شرکت چای در برابر فروش محصول حواله‌هایی را در اختیار چایکاران قرار می‌داد ولی بسیاری از آنها در اثر استیصال و احتیاج شدید حواله‌های خود را زودتر از موعد در بازار سیاه به فروش می‌رساندند که این کار به تولید چای لطمه بزرگی وارد می‌کرد. از جمله کارخانه‌هایی که کارشان بستگی به تولید چای داشت و کارگران در آن به کار مشغول بودند در اثر این وضع دیگر قادر به کار کردن نبودند. تجاری هم که سرمایه خود را در راه

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۳۰۵

خرید و فروش و تولید چای قراردادده بودند ضرر می کردند(خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۸). شرکت چای سازمان برنامه نه تنها برای این صنف کاری انجام نمی داد بلکه بر مشکلات آنها نیز می افزود.

زندگی و کسب و کار صنعت برنجکار نیز هر روز دستخوش بی نظمی هایی می شد. ماده اولیه مورد احتیاج کارگاه های این صنف برنج صنعتی بود که به وسیله اداره تسلیحات تهیه و به فروش می رسید(کیهان، ۱۳۳۱، شماره ۲۷۰۷). بالا رفتن ناگهانی و بدون علت قیمت برنج وضع کار، تولید و فروش این صنعت را مختل می کرد. اداره تسلیحات به خاطر سوءاستفاده و پر کردن جیب متصدیان خود به جای این که برنج تهیه شده را بدون واسطه به فروش برساند با همدستی در اختیار چند دلال قرار می داد و آنقدر در آوردن برنج صنعتی به بازار تعلل می کرد تا این فلز در بازار کمیاب می شد(خلق، ۱۳۳۱، شماره ۲۵). با این شرایط برنج کاران ناچار بودند برنج مورد احتیاج خود را از دست دوم و سوم خریداری کنند و بهای تمام شده محصولات آنها افزایش می یافت و در بازار به فروش نمی رسید. در نتیجه گروه زیادی از سماورسازها و سینی سازها ورشکست می شدند(خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۹). دولت نیز مشکل افزایش قیمت برنج را به وزارت جنگ مربوط می کرد در صورتی که وزارت جنگ در این مورد پاسخگو نبود.

دستفروش ها یکی دیگر از اصنافی بودند که در مقالات روزنامه به آنها اشاره می شود. وضع این صنف آنقدر فلاکت بار بود که تنها به میل رئیس شهرداری یا کلانتری ناچار بودند از محلی به محل دیگر کوچ کنند(خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۵). اغلب این دستفروش ها کارگران، پیشه وران و صاحبان صنایع کوچک و کارگاه هایی بودند که در اثر واردات کالاهای خارجی کار و پیشه خود را از دست داده و برای تأمین زندگی و جلوگیری از تکدی گری دستفروشی می کردند. رسیدن فصل سرما و زمستان هم یکی دیگر از مشکلات آنها بود(خلق، ۱۳۳۰، شماره ۴).

صنعت کشفافی نیاز به انواع نخ های پنبه ای و پشمی و ابریشمی خوب و ثابت ترین و سالم ترین رنگ ها داشت. مواد اولیه مورد احتیاج این صنف را کسانی تهیه می کردند که عاری از اطلاعات لازم بودند و انگیزه آنها از تهیه مواد مزبور فقط سودجویی و سوداگری بود. نخ کم دوام و رنگ های نامطلوب زیادی به کشور وارد می شد(خلق، ۱۳۳۲، شمار ۷۸). دولت به جای این که سهمیه وارداتی مواد اولیه مورد مصرف کارخانه های کشفافی را در اختیار صاحبان کارگاه ها قرار دهد این سهمیه را در اختیار چند تاجر واردکننده قرار داده بود(خلق، ۱۳۳۱، شماره ۶۱). با تصویب اختیارات دولت در سال ۱۳۳۱ روزنامه خلق به موجب این اختیارات از دولت خواست لایحه قانونی جدیدی تنظیم و تصویب نماید که کارخانجات کشفافی که جدید

تأسیس می‌شوند و دارای کمتر از پنجاه دستگاه بافندگی باشند تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف گردند (پیشه‌وران ما، ۱۳۳۲، شماره ۸۱).

از اصناف دیگری که با اجحاف دولت در ورود بی رویه کالای خارجی روبه رو بودند می‌توان به رنگرزی (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۱، ۴۲)، فلزکاری (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۷، ۷۴)، دوزندگی (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۷)، چاپخانه‌ها (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۶)، صابون‌سازی (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۶۳، ۶۱)، روغن‌کشی (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۶، ۵۰) اشاره کرد.

در این دوره کمپایی و گرانی قند و شکر به صورت دردی بر دردهای پیشه‌وران و طبقات محروم وجود داشت. این کمپایی از یک طرف مربوط به کاهش ذخیره قند و شکر در انبارهای دولتی و از طرف دیگر مربوط به نحوه کار شرکت سهامی قند و شکر وابسته به سازمان برنامه بود (عصر اقتصاد، ۱۳۳۰، شماره ۸۵). این شرکت هزاران تن قند و شکر محصول داخلی را در انبارهای خود ذخیره می‌کرد و به قیمت دولتی در اختیار وزارت دارایی قرار نمی‌داد. سازمان برنامه اصولاً خود را سازمان تولیدی و جدا از دستگاه اقتصادی دولت می‌دانست و به همین علت قند و شکرهایی که در کارخانجات دولتی تولید می‌شد جزء مقدار کمی که به وزارت دارایی تحویل می‌گردید بقیه مستقیماً به وسیله خود سازمان در اختیار چند نفر به قیمت بازار سیاه قرار می‌گرفت (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۲۳). بنابراین قند و شکر اغلب به صورت جیره‌بندی وجود داشت.

بنا به نوشته روزنامه خلق صنف گوشت‌فروش مشکلات مختلفی داشت. مغازه‌های گوشت‌فروشی به جز تعدادی هیچکدام متعلق به گوشت‌فروش‌ها نبود. این صنف در واقع از طرف چند نفر سرمایه‌دار بزرگ اجیر می‌شدند و برای آنها در دکان‌های قصابی گوشت می‌فروختند و همه درآمد هم به جیب سرمایه‌داران بزرگ می‌رفت. این سرمایه‌داران با پول‌های کلانی که داشتند با رشوه‌هایی که به اولیای شهرداری می‌دادند به هر شکلی که می‌خواستند مسئله گوشت را به سود خود و به ضرر مردم مصرف‌کننده حل می‌کردند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۸). یکی دیگر از مشکلات گوشت‌فروش‌ها با قصاب‌ها حق چارک بود. به این ترتیب که چوبدارها وقتی گوسفند یا بز را به قصاب می‌فروختند بابت پاچه، سم، گل و مویی که به آن چسبیده یک چارک گوشت را کاهش داده و قیمت آن را نمی‌گرفتند. اما همین قصاب‌ها در باره گوشت‌فروش‌ها این گونه عمل نمی‌کردند و گوشت را با پاچه و سم می‌فروختند و قیمت آن هم مثل قیمت گوشت حساب می‌شد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۱) که در نهایت به ضرر گوشت‌فروش‌ها بود.

۵. انتقاد از عملکرد دولت

حمایت دولت از صنایع نتیجه معکوس داشت زیرا بدون مطالعه و دلسوزی اقدام می‌کرد. مثلاً در زمینه صنعت پوستزمانی که صدور پوست داخلی را تا دو ماه منعمی کرد فرصت خوبی برای تجار به وجود می‌آمد تا با خالی کردن بازارهای خارجی از پوست بعد از این مدت پوست‌هایی را که به قیمت ارزان تهیه کرده‌اند یک دفعه صادرکنند و این بار علاوه بر این که پوست نایاب می‌شد قیمت آن دو برابر قیمت سابق می‌گردید (پیشه‌وران ما، ۱۳۳۲، شماره ۸۰). با تصویب اختیارات دولت در دوره نهضت ملی کارخانجات کشفایی جدیدی که تأسیس می‌شدند اگر کمتر از ۵۰ دستگاه بافندگی داشتند تا پنج سال از پرداخت مالیات معاف بودند. ولی در شرایط بحران اقتصادی اغلب کارخانجات کشفایی تعطیل و هیچگاه مؤسسه جدیدی تشکیل نمی‌شد تا از مقررات و مزایای این لایحه بهرمنند شود (پیشه‌وران ما، ۱۳۳۲، ش ۸۱). نویسندگان مقالات خلق معتقد بودند که دولت پس از گرفتن اختیارات نیز مشکلات صنفی را بر طرف نمی‌کند. در نتیجه مشکلاتی که وجود داشت دولت از محل اصل ۴ ترومن تصمیم گرفت قند و شکر را از آمریکا وارد نماید ولی قند و شکر که از این طریق خریداری می‌شد به علت بعد مسافت زمان زیادی طول می‌کشید تا به مقصد برسد و مدت‌ها در بنادر و گمرکات جنوب باقی می‌ماند. دولت آمریکا نیز در این مبادله جنس تحویل نمی‌گرفت و ارزش کشور را دریافت می‌کرد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۲۳) که خروج ارز به نفع اصناف و اقتصاد کشور نبود.

در سال ۱۳۳۰ دولت برای مقابله با بحران اقتصادی به انتشار اوراق قرضه برای بهبود وضعیت پیشه‌وران و سایر گروه‌ها پرداخت ولی روزنامه خلق هدف از انتشار اوراق را در راستای خرید توپ و تانک از آمریکا بیان می‌کرد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۳). پس از انتشار برنامه جدید اقتصادی دولت در سال ۱۳۳۱ نویسندگان روزنامه خلق با تحلیل این برنامه آن را حاوی فرمولهای کلی و عدم توجه به صنایع و تولیدکنندگان داخلی نشان دادند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۳۴). این برنامه دست سرمایه‌داران خارجی را در ورود کالاهای مختلف باز می‌گذاشت که به زیان اصناف و پیشه‌وران عمل می‌کرد.

انعقاد قراردادهای پایاپای بیشتر با کشورهایمانند پاکستان و هند بود. این روزنامه سعی داشت که دولت را تشویق کند تا قراردادهای پایاپای با کشورهای بسته شود که حاضر هستند در ازای ماشین آلات و کارخانه کالا دریافت کنند (کیهان، ۱۳۳۲، شماره ۲۹۹۸). البته این روش در راستای سیاست‌های اقتصادی شوروی عمل می‌کرد زیرا در آن زمان شوروی صادر کننده

صنایع بود و ایران در دوره نهضت ملی کمترین مقدار ماشین آلات و ابزار رسیده از شوروی را داشت (وزارت دارایی، ۱۳۳۱: ۱۴۱).

یکی از پیشنهادهای اصلاح اقتصادی در برنامه حزب توده تقویت انحصارهای دولتی و مداخله بیشتر دولت در امور اقتصادی را طلب می‌کرد (غنی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۹۰). در این زمان هر چند که انحصار واردات در دست دولت بود ولی در بازار این کالاها گران‌تر از سایر اجناس عرضه می‌شد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۲۳). از نظر تجار نیز انحصار تجارت خارجی به هیچ وجه به نفع مردم نبود (عصر اقتصاد، ۱۳۳۰، شماره ۶۴) و عدم دخالت دولت بر واردات پیشنهاد می‌گردید.

۶. تشکیل اتحادیه اصناف

اتحادیه از افراد هر صنف به منظور حمایت از حقوق صنفی آن رسته شغلی و ایجاد همکاری در میان اعضای صنف تشکیل می‌گردد. اصناف و پیشه‌وران به عنوان یک طبقه شهری در مجلس اول در کنار انجمن‌های ملی به تشکیل انجمن اتحادیه اصناف پرداختند تا در چارچوب این انجمن فعالیت کنند (دولت آبادی، ۱۳۷۱: ۱۱۶). در دوره نخست‌وزیری رضاخان از «هیأت اتحادیه اصناف تهران» در انتقال قدرت از قاجار به پهلوی استفاده سیاسی شد (امیر طهماسب، ۱۳۰۵: ۱۱۵). ولی رضاشاه نظام صنفی را منحل کرد. در سال ۱۳۲۶ متولیان اصناف بازار برای مبارزه با حزب توده «اتحادیه اصناف بازار تهران» را در حمایت از دولت و دربار تشکیل دادند (مجله اتاق بازرگانی تهران، ۱۳۳۸: ۲۶). لازم به ذکر است که حزب توده نیز در این زمان «شورای متحده کارگری» را رهبری می‌کرد که ارگان آن روزنامه ظفر بود. در دوره نهضت ملی بزرگان اصناف که هوادار دولت بودند در دستگاه‌های دولتی صاحب نفوذ شدند و به عنوان واسطه میان اصناف بازار و سازمان‌های دولتی عمل کردند (مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۳: ۳۶). بر همین اساس «جامعه بازرگانان و اصناف و پیشه‌وران تهران» در حمایت از دولت تشکیل شد. در تاریخ مدرن ایران سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ تنها دوره طولانی مدتی است که در آن اتحادیه‌های کارگری آزادی عمل داشتند. همین تلاش و مبارزه کارگران برای بالابردن سطح زندگی خود عاملی دخیل در تورم بود (آبراهامیان، ۱۳۷۷: ۳۵۱). حزب توده نیز برای این که از رقابت در بین اصناف عقب‌نماند سعی داشت به دلیل نقش پررنگی که اتحادیه‌ها در رویدادهای سیاسی می‌توانستند داشته باشند از طریق تبلیغات در روزنامه خلق به تشکیل اتحادیه‌هایی به نفع خود اقدام کرد. نویسندگان این روزنامه معتقد بودند که دولت‌های

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۳۰۹

کنونی غیر از تصویب نامه و آئین نامه قدمی در راه مشکلات صاحبان صنایع و تولیدکنندگان داخلی بر نمی دارند. همچنین سازمان‌های اقتصادی دولتی که پست‌های عالی آن را عده‌ای افراد بی اطلاع از اوضاع اقتصادی کشور اشغال کرده‌اند جز ترجمه قوانین و مقررات خارجی و تبلیغات وسیع درباره پروژه‌های اقتصادی و غیره کاری نمی‌کنند در نتیجه تشکیل اتحادیه ضروری بود (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۸)، (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۳). صنفی که اتحادیه نداشت همیشه در معرض شرایط نامساعد اقتصادی قرار می‌گرفت. از اصناف این دوره از جمله چرم‌سازی، بلورسازی، کفاشی، صابون‌سازی، پارچه‌بافی، کشفافی، چای فروشی، نانواپی، آب نبات‌ریز، داروساز، نخ‌ریسی، دست‌فروش، عاملین قند و شکر، صنعت برنج، گوشت‌فروش، نجار، روغن‌کشی، پیراهن‌دوز، فلزکاری فقط داروسازان، نانویان و کفاش‌ها دارای اتحادیه بودند. در دوره نهضت ملی، صنف چلوکبابی‌ها و صنف قهوه‌خانه‌داران از جمله اصناف حامی دولت مصدق محسوب می‌شدند (عظیمی، ۱۳۸۳: ۳۷-۳۵). بنابراین در روزنامه به آن‌ها پرداخته نمی‌شود. ولی بیشترین توجه در مقاله‌های روزنامه خلق در حمایت از اصناف کوچک‌تر و نفوذ در این اصناف جهت تأمین سیاست‌های کمونیستی شوروی و حضور آنها در رویدادهای سیاسی به نفع حزب توده بود. با تلاش‌هایی که جمعیت آزادی ایران و روزنامه خلق انجام دادند تنها صنف چرم‌ساز (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۲) و صنف دست‌فروش‌ها (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۵) تصمیم به تشکیل اتحادیه می‌گیرند. همچنین این جمعیت در انتخابات هیئت مدیره اتحادیه صنف کفاش در سال ۱۳۳۲ به موفقیت رسید (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۷۸).

۷. راهکارهایی برای حل بحران اقتصادی

روزنامه خلق برای حل مشکلات اصناف به دو مورد تأکید بیشتری داشت یکی قراردادهای پایاپای و دیگری توجه به وضعیت زندگی کشاورزان و روستاییان که در ادامه به این دو مورد پرداخته می‌شود

۱.۷ قراردادهای پایاپای

در ایران درآمد نفت از دیرباز منبع اصلی درآمدهای ارزی، عایدات دولت، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بوده است. در دوران تحریم نفت نخستین و آنی‌ترین تأثیر قطع درآمد نفتی کاهش شدید عایدات ارزی بود. سال ۱۳۳۰ دولت واکنش سریع به کاهش موجودی ارز نشان

داد و آن اعلام محدودیت‌های کمی برای واردات از طریق سهمیه‌بندی بود (رجبی، ۱۳۹۴: ۱۹). تجارت پایاپای مخلوق تحریم و بی‌ارزی مصدق بود. در نتیجه الگوی تجارت ایران تغییر چشمگیری کرد. این تغییرات تا حدی بازگشت به الگوی تجارت ایران در زمان پیش از جنگ جهانی دوم را نشان می‌دادند. در این دوره کشورهایمانند اتحاد جماهیر شوروی و آلمان غربی نقش برجسته‌تری یافتند و سهم این دو کشور از کل واردات ایران افزایش چشمگیری داشت. همین دو کشور جای بریتانیا را هم گرفتند و به خریداران اصلی صادرات غیر نفتی ایران مبدل شدند (همان: ۲۷). روزنامه‌های توده‌ای نیز در این زمینه مطالبی داشتند. پس از انعقاد قرارداد تجارتی پایاپای ایران و مجارستان علاقه شدید پیشه‌وران به این قرارداد به نمایش گذاشته شد که بهبود محسوسی در وضع اقتصادی کشور حاصل می‌گردد و بیکاری و رکود بازار مرتفع خواهد شد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۱۵). مصلحت روزنامه توده‌ای دیگر توسعه روابط اقتصادی ایران با اتحاد شوروی را گام بزرگی در راه غلبه بر مشکلات مالی و شکستن محاصره اقتصادی امپریالیست‌ها بیان می‌کرد (مصلحت، ۱۳۳۲: ۱). چنین رویکردی نسبت به قرارداد بازرگانی ایران و چکسلواکی نیز وجود داشت (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۱). با تشکیل کنفرانس بین‌المللی اقتصادی در مسکو و نتایج حاصل از آن که جلوی ورود سیل آسای کالاهای آمریکایی و انگلیسی را می‌گرفت به عنوان یک عامل مهم در گسترش معاملات پایاپای بر شمرده شد (شهباز، ۱۳۳۱، شماره ۱۹۱). در اثر نبودن یک نقشه صحیح اقتصادی و هماهنگ نبودن دستگاه‌های تولیدی دولت، قند و شکر در اختیار چند نفر در بازار سیاه قرار می‌گرفت و جیره‌بندی می‌شد (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۲۳). در نتیجه با انعقاد قراردادهای پایاپای امکان هر گونه سوء استفاده محترکین و افزایش قیمت از بین می‌رفت و مضیقه ارزی دولت بهبود می‌یافت (پیشه‌وران ما، ۱۳۳۲، شماره ۸۰). در ادامه بین انعقاد قراردادهای پایاپای و تأمین منافع ملی پیوند برقرار می‌شد و این امیدواری وجود داشت که قراردادها پایاپای صنایع ملی و تولیدکنندگان داخلی رابه تولید بیشتر ترغیب کند (شهباز، ۱۳۳۱، شماره ۴۶)، (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۵۱)، (اطلاعات، ۱۳۳۱، شماره ۷۷۷۸). همچنین یکی از تقاضاهای پیشه‌وران و بازرگانان قراردادهای پایاپای بیان می‌شد (خلق، ۱۳۳۰، شماره ۲۰). این تلاش‌ها برای افزایش رتبه تجارت ایران با شوروی صورت می‌گرفت زیرا در دوره نهضت ملی شوروی در رتبه ۳۲ تجارت با ایران قرار داشت (وزارت دارایی، ۱۳۳۱، ۱۴۸).

۲.۷ توجه به زندگی کشاورزان و بالابردن قدرت خرید آنها

این روزنامه برای حل مشکلات اصناف توجه به وضعیت زندگی کشاورزان را نیز پیشنهاد می‌کرد که ۹۵ درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دادند. نویسندگان در مقاله‌های مختلف با تأکید بر این موضوع از دولت می‌خواستند برای سامان دادن وضع نابسامان اقتصادی به بالا بردن سطح تولید کشاورزی از طریق واگذاری زمین به روستاییان و کمک‌های فنی و مالی به آنان و ماشینی کردن کشاورزی اقدام کند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۵)، (خلق، ۱۳۳۲، شماره ۶۹). البته تأکید بر کشاورزی صنعتی در راستای سیاست‌های اقتصادی کمونیزم شوروی بود. اعتبار بانک‌های رهنی و کشاورزی و بالا رفتن نرخ سود سرمایه در بازار باعث می‌شد تا کشاورزان نتوانند از تسهیلات استفاده کنند (اسناد مجلس شورای اسلامی، پرونده ۴۳/۰۹۱۶۰/۰۰۰۱۰/۵۵، سال ۱۳۳۱). برای رفع این مشکل دولت ده درصد سهم اعتبارات کشاورزان را افزایش داد (شهباز، ۱۳۳۱، شماره ۴۰۶) که از نظر مطبوعات حزب توده ناکافی به نظر می‌رسید. نویسندگان مقالات معتقد بودند نه تنها باید اراضی از دست مالکین بزرگ خارج شود بلکه بر دادن بذر مناسب به کشاورزان، ماشین‌های فلاحتی و استفاده از وام‌های مدت دار تأکید داشتند (خلق، ۱۳۳۱، شماره ۴۵).

۸. نتیجه‌گیری

پس از تجار در گروه‌های اقتصادی بازار می‌توان به اصناف اشاره کرد که با حضور گسترده در مشروطه و مجلس اول از نقش سنتی خود فاصله گرفتند و قدرت دسته جمعی خود را نشان دادند. در دوره پهلوی اول اصناف به عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی شهری دستخوش تغییراتی در نظام مالیاتی، واردات کالا و ناتوانی در رقابت با محصولات خارجی گردیدند. این روند در دوره پهلوی دوم همراه با مسایلی دیگر از جمله اشغال ایران توسط متفقین در جنگ جهانی دوم و تشکیل حزب توده ادامه یافت. توجه به اقشار ضعیف جامعه در برنامه حزب توده قرار داشت و برای گسترش فعالیت‌های خود به انتشار روزنامه‌های مختلف سیاست، مردم، ظفر، شهباز، رزم، بسوی آینده و خلق پرداختند. روزنامه خلق در دوره نهضت ملی ارگان جمعیت آزادی ایران به صاحب امتیازی مصطفی لنگرانی بود که به مسایل مختلف اصناف برای جذب آنها به حزب توده توجه نشان داد. از مجموعه یافته‌ها چند محور اصلی از جمله واردات بی رویه کالا، کمبود و گرانی مواد اولیه، عدم دریافت اعتبار از بانک‌ها توسط اصناف، قاچاق

کالا و افزایش اجاره بها و مالیات مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعه این محورها مبین آن است که در دوره نهضت ملی سیاست اقتصادی دولت بحرانی را به دنبال داشت که اصناف نیز از آن به دور نبودند. اساس اعتراض روزنامه خلق به واردات بی رویه کالا به داخل کشور بود ولی حقیقت این است که دولت مصدق ارز کافی برای این امر در اختیار نداشت و همچنین سیاستگذاری های این دولت نشان می دهد که اصولاً اراده و تصمیمی برای انجام چنین چیزی را هم نداشت. با این حال، این روزنامه سعی کرد با بیان مشکلات اصناف نشان دهد که واردات بی رویه کالا تعطیلی کارگاه های تولیدی و گرانی مواد اولیه عدم تعادل صادرات و واردات و تبدیل بازار به مصرف کننده کالاهای خارجی را در پی داشته است. در نتیجه اصناف نتوانستند در رکود بازار از اعتبار بانک ها استفاده کنند تا بتوانند در رقابت خردکننده کالاهای وارداتی و قاچاق خود را از ورشکستگی نجات دهند. همچنین این روزنامه تأکید داشت عدم توجه دقیق به مشکلات اصناف از جمله افزایش مالیات و اجاره بها در جهت تأمین مصالح مالکین بزرگ عمل کرد و باعث گردید اصناف به دلیل عدم توانایی در پرداخت بیکار شوند و به دستفروشی روی آورند. پس از تصمیمات اقتصادی دولت در تجارت پایاپای روزنامه خلق نیز به ارائه توصیه هایی در این زمینه برای جلوگیری از خروج ارز و توجه به معیشت کشاورزان برای بهبود وضعیت اصناف در ظاهر پرداخت. ولی در واقع تمام این تلاش ها برای تأمین سیاست های کمونیزم شوروی در دوره نهضت ملی بود.

جدول وابستگی اصناف

عنوان	توضیحات
واردات بی رویه و قاچاق کالا	منسوجات، بلور، داروسازی، دستفروشی، کشفافی، رنگریزی، فلزکاری، دوزندگی، چاپخانه ها، صابون سازی، روغن کشی
گرانی مواد اولیه	چرم سازی، کفافی، نانوائی، برنجکاری، کشفافی
دزدی، رشوه و عدم دریافت وام	چرم سازی، چای فروشی، گوشتفروشی، قند و شکر

کتابنامه

آبراهامیان، پرواندا (۱۳۷۷)، ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی.

آپتون، جوزف ام (۱۳۶۱)، نگرشی بر تاریخ نوین ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: نیلوفر.

رویکرد روزنامه خلق نسبت به وضعیت اصناف ... (زهراسرگزی و دیگران) ۳۱۳

- آوری، پیترا (۱۳۸۲)، تاریخ معاصر ایران، ترجمه: محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: عطایی.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، موانع رشد سرمایه‌داری در ایران، تهران: زمینه.
- اشرف، احمد و بنو عزیزی، علی (۱۳۸۷)، طبقات اجتماعی دولت و انقلاب در ایران، ترجمه: سهیلا ترابی فارسانی، تهران: نیلوفر.
- اشرف، احمد (۱۳۷۵)، «نظم صنفی، جامعه مدنی و دموکراسی در ایران»، فصلنامه گفتگو، شماره ۱۴.
- بختیار، تیمور (۱۳۳۶)، سیر کمونیسم در ایران، تهران: کیهان.
- پروشان‌ی و دیگران (۱۳۸۹)، ایرج، بازار در تمدن اسلامی، تهران: کتاب مرجع.
- پیردیگار و دیگران، ژان پیر (۱۳۸۷)، ایران در قرن بیستم، ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: البرز.
- حزب توده ایران (۱۳۶۰)، اسناد و دیدگاه‌ها، تهران: حزب توده.
- رجائی، عبدالمهدی (۱۳۸۴)، تاریخ مشروطیت اصفهان، اصفهان: سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان.
- رجبی، بهرنگ (۱۳۹۴)، اقتصاد تحریم نفت، تهران: دنیای اقتصاد.
- روزنامه پیشه‌وران ما (۱۳۳۲ش)، شماره ۸۰.
- روزنامه پیشه‌وران ما (۱۳۳۲ش)، شماره ۸۱.
- روزنامه نیروی سوم (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۲.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۲ش)، شماره ۲۹۵۷.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۷۰۹.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۷۶۶.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۷۸۲.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۹۱۲.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۷۱۱.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۷۰۷.
- روزنامه کیهان (۱۳۳۲ش)، شماره ۲۹۹۸.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۳۱ش)، شماره ۷۸۰۲.
- روزنامه اطلاعات (۱۳۳۱ش)، شماره ۷۷۷۸.
- روزنامه شهباز (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۹۸.
- روزنامه شهباز (۱۳۳۱ش)، شماره ۱۹۱.
- روزنامه شهباز (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۶۰.
- روزنامه شهباز (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۰۶.
- روزنامه بسوی آینده (۱۳۳۱ش)، شماره ۷۶۰.

۳۱۴ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

- روزنامه صفدر (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۶.
- روزنامه مصلحت (۱۳۳۲ش)، شماره ۱۳۵.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۹.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۶۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۱۹.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱۷.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۲.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۲.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۳۵.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۶۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۶۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱۵.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱۷.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۲۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱۹.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۱.

- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۷.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۶۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۷.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۲.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۵.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۹.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱۵.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۷.
- روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۷۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۶۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۶۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۶.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۰.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۸.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۵۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۰ش)، شماره ۱۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۳۴.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۳.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۱.
- روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۲۳.

۳۱۶ جستارهای تاریخی، سال ۱۴، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۲

روزنامه خلق (۱۳۳۱ش)، شماره ۴۵.

روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۶۹.

روزنامه خلق (۱۳۳۲ش)، شماره ۶۸.

روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ش)، شماره ۶۲.

روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ش)، شماره ۶۱.

روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ش)، شماره ۸۵.

روزنامه عصر اقتصاد (۱۳۳۰ش)، شماره ۶۴.

شیرین بخش، زهره (۱۴۰۰)، چالش‌های اصناف در دوره پهلوی اول، تهران: تاریخ معاصر.

صدرزاده، ضیاءالدین (۱۳۴۶)، صادرات ایران از دیدگاه رشد اقتصادی، تهران: شمس.

عظیمی، فخرالدین (۱۳۸۳)، حاکمیت ملی و دشمنان آن، تهران: نگاه آفتاب.

غنی نژاد، موسی (۱۳۹۵)، اقتصاد و دولت در ایران، تهران: اتاق بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی.

همان (۱۳۹۲)، صنایع کهن در دوره قاجار، ترجمه: علیرضا بهارلو، تهران: پیکره.

فوران، جان (۱۳۹۲)، مقاومت شکننده، ترجمه: احمد تدین، تهران: رسا.

کسروی، احمد (۱۳۶۳)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: صدای معاصر.

کاتوزیان، محمد علی همایون (۱۳۷۲)، اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: مرکز.

کشاورز، فریدون (۱۳۷۹)، خاطرات سیاسی؛ به کوشش علی دهباشی، تهران: آبی.

کیوانی، مهدی (۱۳۷۹)، پیشه‌وران و زندگی صنفی آنها در عهد صفویه، ترجمه: یزدان فرخی، تهران: امیر کبیر.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی (۱۳۳۱)، پرونده ۴۳۱/۰۹۱۶۰/۰۰۰۱۰/۵۵.

لمبتن، آن (۱۳۶۰)، نگرشی بر جامعه اسلامی در ایران، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: مولی.

مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره ۶، جلسه ۱۵۰.

وزارت دارایی (۱۳۳۱)، آمار بازرگانی کشور شاهنشاهی ایران، تهران: بانک ملی.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۴)، سرنوشت یاران مصدق، تهران: علمی.

همراز، ویدا (۱۳۸۱)، بررسی اهداف و عملکرد اصل چهار ترومن، تهران: وزارت امور خارجه.